



حافظه تاریخی و عبرت تاریخی دوگانه بسیار پراهمیتی است که اغلب این حافظه تاریخی است که با انباشت فراوان موضوعات و مسائل تاریخی متورم شده و عبرت‌آموزی‌ای که هدف اصلی از نگاه به تاریخ است، فراموش می‌شود. حافظه‌های متورم که اجازه هر گونه تعقل و تدبر را گرفته‌وه مانند تقویم تنهاحوادث تاریخی را ثبت و ضبط کرده است و همین مساله به نقطه ضعف و عقب‌ماندگی تبدیل خواهد شد که غالب دولت‌های به ظاهر روشنفکر دچار آن می‌شوند. بحث برقراری رابطه با آمریکا نمونه بارزی از همین دوگانه محسوب می‌شود. موضوع رابطه با غرب بویژه آمریکا از جمله مسائلی است که سالیان متمادی در وجود جریان به ظاهر منورالفکر ریشه کرده است و به فراخور شرایط و اوضاع کشور بانشر و پیگیری می‌شود. این نگرش امیدوارانه و از روی اعتماد به آمریکا را می‌توان بر غربزدگی یا در ۲ سر طیف مجذوبیت و مرعوبیت نسبت به غرب خلاصه کرد. دعای‌از روی آگاهی و گروهی از سر جهل و ساده‌انگاری پیاده‌نظامی این نگاه را برعهده می‌گیرند و این تفکر را تقویت می‌کنند که «حیات و ممات کشورها در گرو این رابطه است و هر کشوری که به پیشرفت و موفقیت رسیده است، تحت لوی آمریکا به این درجه نائل آمده است» و مسائلی از این دست که مکرراً از سوی جریان آمریکادوست مطرح می‌شود و لذا بر همین اساس الگوی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آمریکا را برای جوامع و ملل مختلف تجویز می‌کنند. البته تسلط و نفوذ چند قرنی غرب بر جهان از انگلستان و فرانسه گرفته تا آمریکا، این باور غلط را تقویت و جریان‌های شسیفته

**محمد مهاجری**؛ در برابر رویکردهای انسانی به سلاح‌های کشتار جمعی در طول تاریخ بشری، رویکردهای دینی از بازدارندگی افزون‌تری برخوردارند. آنجا که گسترش سلاح‌های هسته‌ای براساس اخلاق غیرمجاز باشد؛ نتیجه‌ای جز بی‌اخلاقی‌های بسیاری از نظام‌های حقوقی در نظام بین‌المللی به دست نخواهد آمد و به صورت کلی صلح بین‌المللی به خطر خواهد افتاد. در کاربرد سلاح‌های هسته‌ای و به صورت فراتر، سلاح‌های کشتار جمعی اعم از سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای و… آنچه ریشه در ممنوعیت کاربرد آنها دارد به کشتار بخش بی‌گناهی از انسان‌ها بازمی‌گردد که در نظام حقوقی بین‌المللی تحت عنوان «غیرنظامیان» است شناخته می‌شوند و بیوهه و ناروا نیست که از «اخلاق جنگی» سخن بگوییم. جنگ به عنوان یکی از رویدادهای بشری در طول تاریخ از گونه اولیه تا گونه پیشرفته وجود داشته و امری غیرقابل گریز بوده است بنابراین مساله‌ای که در امر جنگ اهمیت می‌یابد؛ جنگ‌های امروزی با سلاح‌های گوناگون است. در ابتدای شکل‌گیری مفهوم جنگ و دوران جنگ مشروع و شاید از ابتدای شکل‌گیری مفهومی به نام جنگ، نوع جنگ‌ها با «سلاح سرد» اتقاق می‌افتاد اما با پیشرفت جوامع بشری پس از دورانی که ساخت سلاح به صورت یک «صنعت پیشرفته» درآمد؛ سلاح‌های جنگی از نوع سلاح سرد به نوع «سلاح‌های گرم» تغییر یافتند و روز به روز شاهد گسترش این سلاح‌ها بودهایم و هم‌کنار نیز هستیم. انواع سلاح‌ها با بُردهای متفاوت و قدرتهای مختلف گسترش پیدا کردند. در این میان بروز «سلاح‌های هسته‌ای» ساختار سلاح‌ها را به نوع بی‌سابقه‌ای تغییر داد. این نوع سلاح اساساً بر پایه کشتار «غیرنظامیان» بنیان نهاده شده است و به هیچ عنوان نمی‌تواند در چارچوب «اخلاق جنگی» مورد دفاع باشد. گاهی جنگ امری گریزناپذیر است و کشورها به‌ناچار با جنگ درگیر خواهند شد.اما در جنگ آنچه محل اهمیت است اخلاق جنگی است که الزاماً اخلاق دینی نیست. مانند جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و ۸ سال دفاع‌مقدس نیروهای جمهوری اسلامی ایران در مقابل دشمن متجاوز که کشور ایران را درگیر جنگی همه‌جانبه علیه تغییر رژیم سیاسی ایران کرد

کشورها افزایش و جایگاه خود را تثبیت می‌کند. استراتژی نفوذ ابتدا به دنبال تأثیرگذاری بر شخص و نهاد است و در مرحله بعد هردف و داخل شدن به محیط، جغرافیا و مختصات هدف به طور فیزیکی و محسوس صورت می‌گیرد. رهبر معظم انقلاب در همین باره بیان داشته‌اند: «سلطه به شکل استعمار کهنه و نو دیگر عملی نیست، به دنبال این هستند که تفکرات عناصر فعال، هوشمند و نخیه جووری شود که اهداف آنها برآورده شود». این همان معنای نفوذ و سلطه غیرمستقیم است که در وهله اول خاصیت نرم و مخملی را به نمایش می‌گذارد و سخت و چدنی بودن آن در آخر مشخص می‌شود که کار تمام شده است. در همین باره کافی است تنها به تاریخ کشور خودمان نگاهی اجمالی بیندازیم تا متوجه دسیسه‌های استکبار برای نفوذ، تحقیر و تخریب ایران شویم و تاریخ جهان نیز مملو است از قدرت‌طلبی و منفعت‌طلبی مطلق آمریکا و غرب که بحثی مفصل و جدا را طلب می‌کند. نگاهی اجمالی به تاریخ ایران از دوران قاجار مباحث تئوریک فوق را اثبات می‌کند؛ دوران قاجاریه و موضوع جنگ‌های ایران و روس که شاهان قاجار برای فرار از شکست، تقویت قشون نظامی، خرید سلاح‌های جدید، آموزش و تغییر ساختار قشون نظامی … دست به دامان انگلیس و فرانسه می‌شدند تا از آنها در مقابل روس‌ها حمایت کنند ولی انگلیس و فرانسه هر بار بعد از گرفتن امتیازات متعدد و نفوذ بیشتر در بدنه قاجار به بهانه‌های مختلف پشت قاجار را خالی می‌کردند که در ۲ مورد اصلی منجر به قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای با روس‌ها شد.اما نکته اصلی نفوذ اینجاست که به‌رغم همه این خیانت‌ها و کوتاهی‌ها دوباره شاهان قاجار امتیازات متعددی را در قالب امتیاز روتیر، توتون و تنباکو و حوزه‌های راهساز، بنادر، گمرکات، معادن، جنگل‌ها و تأسیس بانک به انگلستان، فرانسه و روسیه می‌دادند. همین اعتماد به غرب و خودکمبینی قاجار منجر به نفوذ همه‌جانبه غرب در بدنه قاجاریه شد که رقم خوردن سیاه‌ترین و تاریک‌ترین دوران تاریخ این مملکت را در پی داشت؛ دورانی که ماده سیاه و بدبوی(!) به نام نفت طی قرارداد دارسی به انگلیس هدی‌شد و با نفوذ و تهدید همین انگلستان طی قرارداد پاریس، افغانستان استقلال خود را از ایران کسب و سپس بخشی از سیستان و بلوچستان نیز از ایران جدا شد، مناطق شمالی نیز شامل آذربایجان، قفقاز و شهرهای متعدد این منطقه با خیانت شاهان قاجار و منفعت‌طلبی انگلیس و فرانسه به روس‌ها تعلق گرفت. نفوذ تا جایی پیش رفت که یکی از کشتارهای بزرگ جهان با سکوت کامل در ایران رخ داد و جمعیتی حدود ۷-۸ میلیون ایرانی در طول جنگ اول جهانی بر اثر قحطی و بیماری ناشی از حضور نظامیان انگلیسی و روس از دنیا رفتند، تاریخ غرب نیز هیچ‌گونه سندی را در این زمینه منتشر نکرد و این کشتار بزرگ را که ناشی از قدرت‌طلبی و منفعت‌طلبی غرب بود، کاملاً

**خوشبینی و ساده‌لوحی را درباره آمریکا کنار بگذارید**

# دست چُدنی

■ سیدمهردادسیدبزرگ ■

مخفی و مسکوت گذاشت. پروژه بعدی نفوذ، کودتا بود، کودتا در حکومتی که خود انگلیس از آن حمایت و تماماً آن را اداره می‌کرد؛ کودتای نظامی توسط یک قزاق به نام «رضافلدر» شکل گرفت که بعدها حکومت پهلوی را شکل داد. کار نفوذ ادامه داشت و تمام‌شدنی نبوده؛ این بار نفوذ فرهنگی با تمام توان خود اجرایی شده بود و بحث منع و کشف حجاب مطرح شد. تشبه به غرب و الگوبرداری از زندگی اروپایی‌ها هدف اول حکومت پهلوی شد، غربزدگی کاملاً ساده‌لوحانه و بی‌پایه و اساس که پیشرفت را در ظاهر امر می‌دید و هیچ توجهی به ساختار و شاکله فرهنگی، مذهبی و بومی مردم نداشت. کلاهشاپو، کراوات، سیگار برگ، برهنگی، مشروب، معاشرت زنان با مردان و فمینیسم اولویت و اصول لایتغیر پهلوی شده بود که به کل هر آنچه بوی سنت، وطن، دین و ایران می‌داد را حذف کرده بود اما رضا قلدر نیز جز تعظیم در مقابل تکبر و قلدری انگلیس و اروپا کار دیگری نمی‌توانست بکند و در نهایت‌شاه یک مملکت(!) توسط خارجی‌ها سرنگون و به خارج از ایران تبعید شد. جنگ دوم جهانی و قدرت‌طلبی مجدد غربی‌ها بر سر منافع بیشتر و فضای حیاتی، پروژه نفوذ دیگری را در ایران کلید زد و به‌رغم اعلام بی‌طرفی از سوی ایران، انگلیس و شوروی با تمام توان به ایران حمله و کشور را بین خود تقسیم کردند بی‌آنکه برای حکومت و مردم ایران ارزشی قائل شوند. در مدتی بسیار کوتاه ایران تماماً اشغال شد بی‌آنکه اشغالگران در مقابل کسی پاسخگو باشند چرا که جهان و کشورهای غیرغربی این موضوع را پذیرفته بودند که نیازمند یک کفیل و سرپرست هستند و هر تصمیم و اقدامی که از سوی انگلیس و اروپا صورت گیرد باید پذیرفته شود و پهلوی نیز این موضوع را کاملاً قبول کرده بود و ایران را بی‌هیچ مقاومتی تحویل غرب داد و دوباره ایران قربانی جنگ جهانی بین قدرت‌های غربی شد ولی این بار تحت عنوان پل بیروزی، پلی که روی عزت، حیثیت و جان مردم ایران بنا شده بود. کار نفوذ ادامه دارد؛ این‌بار نیز محمدرضا پهلوی توسط انگلستان روی کار می‌آید. در این دوره ملی‌شدن صنعت نفت تنها نور استقلال و مهم‌ترین رخداد ملی طی این دوران بود که با لغو تمام قراردادهای کنسرسیوم‌های تحقیر آمیز نفتی جلوی نفوذ انگلیس را گرفت و ضربه بزرگی به کمپنی‌ها و کارتل‌های نفتی غربی بویژه انگلیسی‌ها وارد آورد. ملی‌شدن صنعت نفت تنها در سایه اتحاد و همدلی صدق، مردم و روحانیت رخ داد اما نفوذ به قدری زیاد و قدرتمند بود که این بار چهره سخت و چَدنی خود را نمایان کرد و کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ با همکاری انگلیس و آمریکا دولت مصدق را سرنگون کرد. رهبر مظلم انقلاب در همین باره بیان داشتند: «اشتباه مصدق پس از ملی‌شدن صنعت نفت تکیه و اعتماد کامل به آمریکا بود. آمریکایی‌ها از این خوش‌بینی و ساده‌اندیشی استفاده کردند و کودتا را به راه انداختند.» از این تاریخ به بعد

محمدرضا تماماً تحت مدیریت آمریکا قرار گرفت و تنها عامل اجرایی مصوبات و منویات آمریکا بود. طرح‌ها، لایوح، برنامه‌ها و چشم‌اندازها در آمریکا تصویب و به محمدرضا دیکته می‌شد. ارائه د‌کترین امنیت ملی، طرح اصلاحات ارضی، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انقلاب سفید شاه، کاپیتولاسیون، حمایت همه‌جانبه از رژیم صهیونیستی، حضور نظامی در جنگ‌های نیابتی منطقه، ژاندارمی خاورمیانه و… از سیاست‌ها و طرح‌های آمریکا بود که محمدرضا آنها را عملیاتی می‌کرد. انگلیس نیز در این زمان اگرچه قدرت درجه ۲ عرصه جهانی محسوب می‌شد ولی نفوذش در ساختار حکومت پهلوی استمرار داشت به نحوی که توانست با اعمال نفوذ و فشار، بحرین را در ۱۳۴۹ از ایران جدا کند و بحرین نیز طعمه بعدی نفوذ شد و از ایران استقلال یافت ولی با همه این احوال انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۵۷ به رهبری حضرت امام خمینی(ره)، دست سلطه‌گر آمریکا را قطع کرد و هیچ‌وجه حاضر نبود میدان را خالی کند لذا جنگ نرم همه‌جانبه و تمام‌عیاری را علیه جمهوری اسلامی آغاز کرد که تاکنون ادامه دارد. آمریکا این‌س موضوع را جلوی نفوذ تمام‌شدنی غرب را گرفت اما آمریکا به هیچ‌وجه حاضر نبود میدان را خالی کند لذا جنگ نرم همه‌جانبه و تمام‌عیاری را علیه جمهوری اسلامی آغاز کرد که تاکنون ادامه دارد. آمریکا این‌س موضوع را جلوی نفوذ تمام‌شدنی غرب را گرفت اما آمریکا به هیچ‌وجه حاضر نبود میدان را خالی کند لذا جنگ نرم همه‌جانبه و تمام‌عیاری را علیه جمهوری اسلامی آغاز کرد که تاکنون ادامه دارد. آمریکا این‌س موضوع را

پیش از انقلاب نیست که رابطه او بین دوستی تا اختلاف در نوسان باشد بلکه ایران انقلابی دیگر دشمن درجه یک استکبار خواهد بود و نه دوست و یک مخالف ساده؛ انقلاب اسلامی روح تازه‌ای را به این سرزمین هدیده است که جهان‌بینی، ایدئولوژی، اندیشه و نگرش کاملاً متفاوتی از قبل پیدا کرده است که در تمام حوزه‌ها قدرت غرب را به چالش می‌کشد لذا آمریکا، جمهوری اسلامی را دشمن اصلی و تمام‌عیار خود می‌داند و به دنبال نفوذی می‌گردد که نه مثل زمان قاجار و پهلوی منفعت و قدرت بیشتر را در پی داشته باشد بلکه نفوذ همراه با تغییر و نابودی انقلاب اسلامی را دنبال می‌کند. از همین روز از هر روش و ابزار ی بهره خواهد برد تا به هدف خود نائل شود. گاهی با چهره خشن و چَدنی خود جنگ و ترور را علیه جمهوری اسلامی به راه می‌اندازد و گاهی با چهره نرم و مخملی از راه فتنه، سازمان ملل، شورای امنیت و قوانین و تعهدات بین‌المللی وارد میدان مبارزه با ایران می‌شود اما هدفش یک چیز است؛ نابودی انقلاب اسلامی ایران. پس ما نیز نباید فریب «دست چُدنی آمریکا» را بخوریم و هر اقدامی را فتح و ظفر برای خود تلقی کنیم و براساس فرمایشات حکیمانه درجه ۲ و دوستانی که با آنها اختلاف داریم اشتباه بگیریم، دشمن اصلی کسی است که می‌خواهد دستاوردهای ملت ایران را از بین ببرد و این دشمن با خوشبینی و ساده‌اندیشی از طریق نهان و آشکار وارد خواهد شد و آمریکا همان دشمن اصلی است که به دنبال نفوذ است.

نقض این قاعده را به صورتی تکرار‌شونده و انبوه در پی دارد از آن جهت که به‌ششویه‌ای گسترده و فراغ از تمایزگذاری، مجموعه‌ای وسیع از انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد و بلکه حتی فراتر از نسل‌ها فعلی بشر، حملات مرگبار سلاح‌های هسته‌ای متوجه نسل‌های آینده هم خواهد شد و تباهی آنها به صورت زایشی برای مجموعه گسترده‌ای از انسان‌ها در ابعادی فرانسلی پایدار خواهد ماند.

**قاعده سعی بر فساد:** آیه شریفه «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» (سوره بقره؛ آیه ۲۰۵) منشا این قاعده است. در پیش گرفتن هر مسیری که در نهایت به فساد روی زمین ختم شود، مصداق سعی بر فساد و موضوع این قاعده است در نتیجه محکوم به حرمت خواهد شد. مطالعات استراتژیک نشان می‌دهد انباشت سلاح‌های هسته‌ای، گامی به سوی بهره‌گیری از آنهاست. همین مطالعات بیانگر آن است که به محض نخستین بهره‌گیری از این سلاح‌ها، بهره‌گیری‌های بعدی به‌گونه‌ای پیوسته و چالشی کنترل‌ناپذیر سبب شعله‌ور شدن آتش جنگی می‌شود که نتیجه آن تحقق فساد ی بسیار پرحاشمه در زمین است. بدین‌سان و طبق قاعده «حرمت سعی بر فساد در زمین» گام زدن در وادی تولید و مسابقه تسلیحاتی به دلیل عواقبی که دارد، ناصحیح و از نظر فقهی مردود است.

**قاعده اثم:** مطابق این قاعده اگر اثم-یعنی گناه وزشتی و پلشتی- در عملی از نفع و سود آن عمل بیشتر و بزرگ‌تر باشد، تحریم می‌شود. سلاح‌های هسته‌ای مصداق اثم این قاعده است. این سلاح‌ها به‌وضوح، اثمی بزرگ‌تر از نفع دارند. تصور درگیر شدن بشر در نبرد هسته‌ای انچنان دهشت‌انگیز است که جایی برای تشکیک در کاربرد قاعده مورد اشاره باقی نمی‌گذارد. این مجال ادب به آنها اشاره و پرداخته خواهد شد. **قاعده وزر:** مطابق قاعده وزر «وَ لَا تَسْرِزْ وَأَوْزِرْ وَزَرَ أُخْرَىٰ» (سوره اسراء، آیه ۱۵) در قسمت دلائل فقهی به بیش از فراسوی کسانی کشیده شود که استحقاق آن را دارند. به عبارت دیگر، هیچ‌کس نباید دچار عواقب وزر و وبالی شود که سبب آن از ناحیه دیگران ارتکاب یافته است. به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای، نفی و

تظاهرات

### ۱۱ سپتامبر فرانسوی



**دکتر جواد حق‌گسو:** با انعکاس سریع و گسترده خبر انفجارهای زنجیره‌ای تروریستی جمع‌هش در پاریس، بهت و حیرت فرانسه و دیگر کشورهای اتحادیه اروپایی را فرا گرفت. گزارش‌هایی که تا این لحظه بر خروجی خبر‌گزاری‌های دنیا قرار گرفته از کشته شدن بیش از یکصد شهروند فرانسوی حکایت دارد. تا ظهر روز شنبه آمار و ارقام قربانیان حملات تروریستی زنجیره‌ای در «حاشیه‌مسابقه‌فوتبال فرانسه-آلمان»، «تیراندازی در یک رستوران»، «قتل‌عام در سالن کنسرت» و… از ۱۵۰ تن فراتر رفت و به دلیل وخامت اوضاع بسیاری از زخمی‌شدگان انتظار می‌رود شمار قربانیان افزایش یابد.

آنگونه که رسانه‌ها نقل کرده‌اند اولین اتفاق، هنگامی رخ داد که یک مرد مسلح به کلاشنیکف، چندین نفر را در رستورانی پرازدحام به قتل رساند و ۷ نفر را زخمی کرد. اندکی پس از این اقدام تروریستی رسانه‌ها خبر از دست کم ۲ انفجار در نزدیکی ورزشگاه «استاد دو فرانس»، جایی که مسابقه فوتبال بین آلمان و فرانسه در حال برگزاری بود، منتشر کردند. گزارش بعدی که در واقع روای جزئیات حادثه تروریستی سوم در پاریس بحران‌زده بود، خبر از تیراندازی ۲ مرد مسلح کرد. اندکی پس از این اقدام تروریستی رسانه‌ها خبر از دست کم ۲ انفجار در نزدیکی ورزشگاه «استاد دو فرانس»، جایی که مسابقه فوتبال بین آلمان و فرانسه در حال برگزاری بود، منتشر کردند. گزارش بعدی که در واقع روای جزئیات حادثه تروریستی سوم در پاریس بحران‌زده بود، خبر از تیراندازی ۲ مرد مسلح کرد. اندکی پس از این اقدام تروریستی رسانه‌ها خبر از دست کم ۲ انفجار در نزدیکی ورزشگاه «استاد دو فرانس»، جایی که مسابقه فوتبال بین آلمان و فرانسه در حال برگزاری بود، منتشر کردند. گزارش بعدی که در واقع روای جزئیات حادثه تروریستی سوم در پاریس بحران‌زده بود، خبر از تیراندازی ۲ مرد مسلح کرد. اندکی پس از این اقدام تروریستی رسانه‌ها خبر از دست کم ۲ انفجار در نزدیکی ورزشگاه «استاد دو فرانس»، جایی که مسابقه فوتبال بین آلمان و فرانسه اعلام کرده است که حملات تروریستی دست‌کم در ۷ نقطه دیگر پاریس به وقوع پیوسته است.

با برعهده گرفتن مسؤولیت حوادث تروریستی پاریس توسط گروه تروریستی داعش، سوالی که مطرح می‌شود آن است که داعش با چه هدف و انگیزه‌هایی دامنه اقدامات تروریستی خود را تا قلب اروپا وسعت بخشیده است. نکته قابل تامل آنکه داعش پس از پذیرش رسمی مسؤولیت این انفجارها دیگر پایتخت‌های اروپایی از جمله لندن و رم را نیز تهدید کرده است. در این رابطه بیان چند موضوع ضروری است.

یک- با افشای اطلاعات و اسناد فراوان از ابتدای پیدایش داعش تا امروز نمی‌توان در صحت این گزاره که «داعش کنشگری مستقل نیست» تردید کرد. بر همین اساس است که باید داعش را گروهی وابسته به برخی بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از جمله رژیم صهیونیستی قلمداد کرد. در این رابطه اسناد فراوانی منتشر شده است که می‌توان این اسناد را از ۲ منظر مورد توجه قرار داد. اسناد دسته نخست مشخصاً بر وجود پیوندهای مستند میان برخی سران داعش با رژیم صهیونیستی حکایت دارند که در این رابطه می‌توان به اسناد منتشر شده از دفتر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اشاره کرد که آشکارا بر حمایت‌های همه‌جانبه اسرائیل از داعش دلالت دارد. دسته دوم آن دسته از اسناد و مدارکی است که به موضع دوگانه سران داعش در قبال رژیم صهیونیستی دلالت دارند. در این دسته از اسناد به مواضع سران داعش مبنی بر اینکه اساساً این گروه تروریستی برخلاف ایدئولوژی‌اش خود هیچ‌گونه تضادی با اسرائیل ندارد اشاره شده است.

دو- به باور بسیاری از کارشناسان و نیز با تکیه بر اسناد و اطلاعات افشا شده، دولت فرانسه به رهبری فرانسوا اولاند را باید یکی از اصلی‌ترین موافقان آغاز، تشدید و تداوم اقدامات تروریستی و متجاوزانه داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در سوریه به شمار آورد بنابراین نمی‌توان ادعاهای مطرح شده مبنی بر اینکه داعش با انجام این اقدام تروریستی هدفی جز انتقام‌گیری از دولت اولاند نداشته است را پذیرفت. مروری گذرا بر اخبار منتشر شده درباره بحران سوریه از آغاز تاکنون همگی نشان از حمایت‌های پیدا و نهان فرانسه از داعش و دیگر گروه‌های تروریستی فعال در سوریه دارد. سه- بنا به آنچه گفته شد حال می‌توان تحلیلی منطقی و نزدیک به واقعیت از چرایی اقدام تروریستی داعش در فرانسه ارائه داد بنابراین اگر اولاً داعش را کنشگری وابسته که هیچ‌گونه تعارض منافی با رژیم صهیونیستی نداشته و ندارد بدانیم، ثانیاً با استناد به رفتارهای این گروه تروریستی اقدامات این گروه راهمراستی منافع اسرائیل در منطقه جهان اسلام در نظر آوریم، ثالثاً در نگاهی کلان‌تر داعش را ساخته و پرداخته رژیم صهیونیستی و دیگر همیمانان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای اسرائیل به شمار آوریم، رابعاً فرانسه را یکی از ۲ کشور اصلی اتحادیه اروپایی به شمار آوریم، در واقع می‌یافت حوادث تروریستی پاریس می‌تواند به گونه‌ای تامل‌برانگیز با خواست صهیونیست‌ها مرتبط باشد.